

# تأثیر وسایل صوتی و تصویری در آموزش پرورش



بشر از زمانی که زندگی خود را بصورت ابتدائی آغاز کرده همواره از اشیائی که اطرافش بوده و مسائلی که در زندگی روز مره خود با آنها روبرو بوده الهام گرفته و تصاویر گوناگون با وسائلی که در اختیارش بوده بر سنگها والواح گلی نقش کرده که امروز مقدار مختصری از آنها باقی است و باستان شناسان آنها را کشف ومورد مطالعه قرار داده اند .

اگر به نقوشی که در غارها از اجداد ما باقی مانده مختصر توجهی کنیم وتکامل هنر نقاشی را هم در نظر بگیریم متوجه ظرافت تصاویر مزبور خواهیم شد و از ذوقی که در تهیه آنها بکار رفته متعجب خواهیم شد . شهر نشینی در جوامع بشری وآنچه که امروز تمدن نامیده میشود باعث ترقی وتعالی نقاشی و بطور کلی هنر (تصویر) گردید . از زمان رنسانس یا تجدید حیات هنری و ادبی اروپا " تصویر " نیز دستخوش تحولات ریشه‌ای گردید وبعنوان یکی از هنرهای پایه شناخته شد .

تعلیم وتربیت نیز چون جزئی از زندگی

اجتماعی است ناچار باین تحولات هماهنگ شد و تغییراتی یافت تا جایی که امروزه از وسائل مختلف جهت "یاد دادن" استفاده میشود البته تئوری‌های مناسب زمان نیز بکمک این وسائل در آموزش و پرورش آمد و در مجموع باعث دگرگونی در سیستم های آموزشی گردید . اگر قصد ما حتی آموزش نحوه کار قمرهای مصنوعی و یا پرواز موشک های بین قاره هم باشد میبایستی از وسائلی که در اختیار داریم استفاده کنیم و با نشان دادن تصاویر مختلف و پخش گفتار مناسب آموزش را تسهیل نمائیم و آموزش کودکان نیز از این قاعده مستثنی نیست بلکه در مورد کودکان حتما باید از وسائل صوتی و تصویری بنحو احسن استفاده کنیم تا نتیجه بهتری عاید شود .

یکی از مسائلی که باید حتما در طرح ریزی نظام جدید آموزشی مورد امان نظر قرارگیرد ، مساله نحوه و طرز برخورد با دانش آموزان و دانشجویان و تدریس مسائل گوناگون است .

متاسفانه در ایران رسم براین بوده که معلم بعنوان یک فرد خشک و غیرقابل انعطاف ، جدی و گهگاه عصبی با شاگرد برخورد میکرده و شاگردان هم بکلاس میآمدند و هر چه معلم میگفت بدون چون و چرا میشنیدند و میرفتند دنبال کارشان و وجود فیزیکی شاگرد در کلاس مطمح نظر

بوده و اینکه او ( شاگرد ) ققدر از مطلب مورد تدریس را درک کرده زیاد پیگیری نمیشده . نتیجه این نوع تدریس هم بعنوان مقدمه‌ای بر سیستم آموزشی دانشگاه در بی سوادی شاگردان موثر بوده است . تخته سیاه و گچ تنها کمک معلم در تدریس بوده و اگر معلمی ذوق بیشتر داشته و قصدش " یاد دادن " فرضا در کلاس جغرافیا از یکدرد پرتقال بجای کره زمین و نشان دادن قطب شمال و جنوب و خط استوا استفاده میکرده است اما یک سؤال در اینجا مطرح میشود و آن اینست که چرا و چگونه کشورهای غربی صرفنظر از منابع درآمد مالی و غارت کشورهای عقب مانده این چنین پیشرفت کرده‌اند و موفق بحل معضلات و مشکلات گردیده‌اند ؟ چرا فارغ التحصیلان دانشگاهها و مدارس غرب صرفا " مدرک " نمیخواهند و مفهوم علم برای علم تا حدودی برایشان معنا دارد ؟ اگر فقط داشتن پول مطرح است کشورهای عرب نفتخیز میلیاردها دلار پول نفت عایدی سالیانه شان است ولی از نظر فرهنگی عقب مانده اند ، چیزی که در غرب در جوار سایر مسائل در مورد آموزش بکار میآید ، استفاده از تکنیک ها و روشهای جدید آموزش و تطبیق آنها با نیازمندی‌های جوامع خودشان است ، اساسی ترین تکنیکهای نوین آموزش که از آموزش قبل از دبستان تا آخر دانشگاه قابل استفاده و

اجراست ، تکنیک آموزش با صوت و تصویر است .

در بعضی موارد ، مساله استفاده از صوت و تصویر شاید چندان کار اساسی و مهمی بنظر نیاید ولی کسانی که با تدریس سروکار دارند میدانند که صرفا صحبت کردن سرکلاس و تدریس از این طریق چقدر شاگردان را خسته و کسل میکند و خود معلم نیز از آنچه که انجام میدهد چندان دلخوش و راضی نیست اما اگر بتوانیم از وسائلی استفاده کنیم که کسالت جسمی و روحی شاگرد را برطرف کند و در ضمن چیزی را که میخواهیم یاد بدهیم از طریق چشم و گوش بشاگرد بدهیم نتیجهای که عاید میشود بطریق اولی بهتر از تدریس صرفا شفاهی است . اثر تدریس از طریق سمعی و بصری با صوت و تصویر بمراتب اساسی تر و عمیق تر است .

تکنولوژی آموزشی در ابتدا با نام سمعی و بصری متولد شد . این رشته علمی هم مثل سایر علوم حالت شمشیر دولبه ای را دارد که هم میتوان در مسیر صحیح وهم جهت برآوردن حاجات در مسیر غلط از آن استفاده کرد ، در صورتی که این علم بعنوان وسیله ای جهت اجرای مقاصد ناصواب و خصوصا در جهت تغییر مسیر فکری شخص یا اجتماع بکار رود ، وسیله ای بسیار خطرناک و موحش است و باید مواظب بود که تنها مسائلی و اصولی که در جهت

بهبودی اوضاع و پیشرفت و تکامل قرار دارد با کمک این علم تدریس شود .

علم تکنولوژی آموزشی تنها در مدارس و دانشگاهها مورد استفاده نیست بلکه در سازمانهای دیگر چون ارتش و خصوصا در نیروی هوایی تعلیم و تدریس مسایل گونه گون مثل تعمیر هواپیماهای مافوق صوت و چگونگی دفاع و حمله و . . . . . نیز مورد استفاده قرار میگیرد .

این علم در ایران بسیار جوان است و سابقه آن بحد اکثر ۷ سال میرسد که دوره شکوفائی و کار کرد عملی آن از ۴ سال پیش شروع شده است ، تاسیس رادیو تلویزیون



آموزشی اولین قدم جهت شروع این علم در ایران بطور جدی بود ولی متأسفانه اکنون بعلت مسائل و مشکلاتی که رادیو تلویزیون با آن دست بگریبان است این قسمت فعال چون عضوی فلج و از کار افتاده تنها وبال گردن این سازمان است ، تهیه یک برنامه آموزشی کار چندان مشکلی نیست مسائل ابتدائی چون کارکردن و آشنائی با دوربین های مختلف و صدا برداری و استفاده از ضبط صوت قسمت اول تهیه این نوع برنامه‌ها است و دانستن تئوریهای مربوط با آموزش نیز قسمت دوم یا اساسی تر تهیه برنامه آموزشی است .



میدانیم که یکی از مهمترین اصول آموزش تکرار است و این اصل عینا در تکنولوژی آموزشی هم اجرا میشود ، اگر در ضمن تهیه برنامه و آموزش به نقاط حساس و بحرانی بر بخوریم جهت تسهیل در آموزش بایستی نقاط مهم را تکرار کنیم . اصل دیگر که هنگام تهیه برنامه باید رعایت شود اینست که بایستی جهت تهیه عکسها حتما از رنگهای زنده استفاده شود خصوصا زمانی که برنامه جهت کودکان تهیه میشود برای درک اثر رنگهای زنده ، اگر یکجفت کفش قرمز و یکجفت کفش تیره رنگ را جلوی کودکی بگذاریم ، بطور طبیعی ، کودک دست بسوی کفش قرمز رنگ دراز میکند ، میبینیم که طبیعتا در انسان خاصیت استفاده از رنگهای تند و زنده موجوداست و کودکان رنگهای زنده را دوست دارند و باین علت است که میباید از رنگهای زنده استفاده کرد . در قسمت صدا هم باید گفتاری را که میخواهیم تهیه کنیم برنامه را بطور کامل معرفی و تشریح کند ، موزیک هم بایستی حتما روی گفتار قرارگیرد منظور از موزیک ، موزیک مبتذل و یا حتما غربی نیست ، یک مثال موضوع را روشنتر خواهد کرد .

دانشجویان سال چهارم دانشکده خدمات اجتماعی از موضوعات مختلفی جهت تهیه پروژه نهائی ( امتحانی )

بقیه در صفحه ۴۸

# سؤال از استاد



مربیان محترم

در یکی از کلاسهای بازآموزی که در انجمن اولیاء و مربیان ایران تشکیل شده و پیرامون تعلیم و تربیت نوآموزان بحث بود در پایان جلسه بروال همیشگی سئوالات مطرح شد که استاد کلاس بدان پاسخ داد . مطلب زیر پیاده شده از نوار محاوره آخر وقت آن درس است . بامید آنکه شما نیز جواب بعضی از سئوالهای خود را یافته باشید .

انجمن اولیاء و مربیان ایران سئوالهای تربیتی و آموزشی را بصورت دلخواهتان (چه خصوصی و حضوری و چه در جمع خوانندگان مجله ) پاسخ میدهد و حتی برای سهولت امر میتوانید با شماره تلفن ۳۱۰۳۰۱ تماس حاصل فرمائید .

سؤال : لطفا درمورد دزدی بچهها کمی بیشتر توضیح دهید و بگوئید ما بچه صورتی باید با این بچهها روبرو شویم ؟  
جواب : بچهها معمولا تخیل پرداز هستند بعنوان مثال - یک چوب را اسب میپندارد و آنچنان با این چوب رفتار میکند و به او شلاق میزند و غیره که مثل این میماند که واقعا این چوب اسب میباشد . و یا مثلاً عروسک را بدست گرفته ، کفش مامان را پوشیده و به این عروسک آنچنان جان میدهد که فکر میکند حتما این عروسک جان دارد اگر این را وسعت دهیم باین نتیجه نیز خواهیم رسید که حتی برداشتن پول از کیف و یا برداشتن مداد از کیف همکلاسی در مدرسه دزدی نمیتواند باشد . و بیچاره چنین کودکی که معلمی ناآگاه داشته

باشند و این معلم از روی بی اطلاعی کیفهای شاگردان را گشته و با پیدا کردن مداد مثلا اعلام کند که حسن مداد را از کیف حسین دزدیده است و همین معلم است که سنگ دزدی را برای شاگرد میگذارد . پس چنین دزدیها در نتیجه دروغ پردازی و تخیل پردازیهای کودکان است اما ناگفته نماند که اگر بمرز بیماری برسد و تقریبا برای بچه نا بسامانی ایجاد کند باید جلوگیری شود .

سؤال : راه جلوگیری آن بچه صورت است؟

جواب : با محبت ، محیط امن ، صحبت با بچه ، تحقیق روی علم جرم ، رسیدگی به تکالیف بچهها که باید آنها را خواند و امضاء کرد ولی خط نباید زد ، میاشد .

سؤال : من تکالیف شاگردان را پس از مطالعه کردن امضاء میکنم اما یکی از شاگردان میگوید که مشق مرا باید خط بزنید و من برای اینکه او را از این فکر منصرف کنم به او میگفتم که حیف نیست که این دستخط زیبا را خط بزنم ولی او قبول نکرد و بالاخره امروز مرا مجبور کرد که مشق او را خط بزنم .

جواب : این میتواند زمینه‌ای برای بیماری باشد . زیرا من بکودکی برخورد کردم که شکایت کرده بود که معلم من مرا کتک نمیزند . بنابراین چنین حالت و عقیده‌ای میتواند زمینه‌ای برای خودآزاری باشد و وظیفه مربی و معلم این است که ببیند این





## سؤال از استاد

— گچ را آماده میکرد و با خود میبرد و در کلاس قدم میزد و مواظب بود که کسی تا آمدن معلم پای تخته چیزی ننویسد . بنابراین میشود برای مثلا هر ۵۰ شاگرد خود ایجاد انگیزه کرد تا آنها علاقمند بدرس و مطالب شوند و یادمان باشد که نباید هیچگاه دو انسان را باهم بسنجیم بلکه هرکدام باید باخودش سنجیده شود .

سؤال : یکی از شاگردان من با اینکه درسش خوب است تکالیفش را انجام نمیدهد و وقتی که با مادر او صحبت کردم ، مادرش گفت که او وقتی بخانه میآید میگوید که معلم ما نیامده بود و یا اینکه مشق بما نداده است و دروغ های دیگر .

جواب : علت آن ممکن است بی علاقتی به تکلیف باشد . درمورد تکلیف شب تحقیقاتی کرده اند و به این نتیجه رسیده اند که چرا اصولا به بچه ها رونویسی و مشق میدهیم . در حالیکه باید از آنها کاری را بخواهیم که قدرت خلاقیت و ابتکار دانش آموزان برانگیزد . و یا به عبارت

کودک در چه جوی زندگی میکند و خانواده او بچه صورت است تا بتواند از بوجود آمدن چنین زمینه های جلوگیری کند .

سؤال : لطفا مرا در مورد آشنائی باین جو راهنمایی کنید . زیرا من در کارم تازه وارد هستم .

جواب : شما میتوانید برای بچه پرونده تشکیل دهید و والدین او را بخواهید و از آنها اطلاعاتی درمورد این بچه کسب کنید و مثلا با دانستن این موضوع که فرزند چندم خانواده است میتوانید متوجه شوید که اگر بچه آخری باشد امکان عامری و فرمانبرداری در او زیاد است و اگر جزء بچه های اولی قراگرفته میتواند دستور بدهد باشد .

یکی از بحث ها در تعلیم و تربیت ایجاد انگیزه است که این ایجاد برعکس آنچه که دیگران میگویند در گفتار مشکل و در کردار آسان است بعنوان مثال من چه موقع در این کلاس میتوانم وارد شوم و صحبت کنم ؟

بله آن زمانیکه شما بخواهید بنابراین این انگیزه است و یا معلم پسر من از روی آرا سه مبصر برای کلاس انتخاب کرد که اولی با ۱۴ رای و دومی با ۱۲ رای و سومی که پسر من بود با ۸ رای برای مبصری انتخاب شد همین انتخاب یک انگیزه برای پسر من بود که حتی در طول شب از خواب بیدار میشد که ببیند کی صبح میشود تا زودتر بمدرسه رود و ناگفته نماند که حتی تخته پاک کن و

دیگر تکلیف باید آنچنان شوق انگیز باشد که خود بچه بدنبال آن برود. آخه چرا وقتیکه بچه‌ای نمره ۲۰ از املاء گرفته است باید مشق بنویسد و یا چرا بچه‌ای که نمره صفر گرفته است باید ۱۰ یا ۲۰ بار از روی آن رونویسی کند؟ آیا اینها مغز بچه را علیل و معلول نمیکند؟ برای بوجود



آوردن ابتکار و خلاقیت در بچه‌ها باید شاگردان کلاس را طبقه بندی کرد و به هر گروه تکلیفی خاص بدهیم بعنوان مثال بیک گروه بگوئید که یکبار از این مطلب بنویسد ولی لزومی ندارد که گروههای دیگر نیز از روی آن مطلب بنویسند در حالیکه این

گروهها میتوانند تحقیقاتی در مورد مطالب مختلف بکنند و مشاهدات خودشان را روز بعد در کلاس بازگو کنند. یا شعری را از بر کنند، کتابی را خلاصه نمایند بنابراین شرط لازم و کافی برای تکالیف بچه‌ها مطالب و موضوعاتی است که باعث بوجود آمدن خلاقیت بجای حافظه بصری باشد باین صورت که خلق کنند و بعد در کلاس بازگو نمایند.

سؤال: آیا گروه بندی در کلاس بین بچه‌ها باعث اختلاف و بوجود آمدن عقده در آنها نمیشود؟

جواب: بهیچوجه، البته آگاهانه باید باشد و نباید بآنها بگوئید که این دسته گروه زرنگها، آندسته گروه تنبلها و دسته سوم گروه متوسطها باشند. اما کار هر کدام از این گروهها باید باهم فرق داشته باشد مثلا از یک گروه خلاصه یک کتاب را بخواهید، از یک گروه جمع آوری گلها را بخواهید از گروه سوم متنی در مورد برگها را بخواهید و غیره که این روش چون جالب است خود بخود بچه‌ها بطرف آن کشیده میشوند و یادمان باشد که نباید طرحی را که در دوران تحصیل خود ما پیاده کردند ما نیز آن طرح را در مورد شاگردان پیاده کنیم چنانکه حضرت علی (ع) میفرمایند: لا تقصر و اولادکم علی آدابکم فانهم یخلوقون لزمانه غیر زمانه: ای مربی، ای بقیه در صفحه ۲۵



# مفهوم آموزش از نظر ما

نوشته : احمد مرشلی از سازمان آزادیبخش  
فلسطین ( از مجله بین‌المللی معلمین )

مرحله‌ای از مبارزه دائم برای آزادی میهن  
از دست رفته و غصب شده ، ما برای ملت  
خود مفهوم ویژه‌ای از آموزش را با توجه به

باآگاهی و استشعار نسبت به خصوصیت  
مرحله‌ای از مبارزه‌ایکه ملت عرب فلسطین  
از سی سال پیش با آن درگیراست ، یعنی



مقتضیات این مرحله از مبارزه و شرایط زندگی ملت مان تنظیم کرده‌ایم .

پایه این مفهوم بر اصول کلی زیر قرار دارد :

— دنیادرحال حرکت مداوم است و انسان و توده ها قدرت و توان آنرا دارند که جهان را بشناسند و آنرا تغییر بدهند و ضمناً از قبول وضع موجود و سرخم کردن در برابر آن استنکاف میکنند .

— تاریخ عبارت از مجموعه‌ای از حوادث و رویدادها نبوده و همچنین مدار بسته‌ای نیست بلکه عبارت از تحولی است بسوی اهداف عالیتر . انقلابها نقش اساسی از لحاظ این تحول و نیز شکل تاریخ ایفا میکنند .

— انقلاب مسلحانه فلسطین تنها راه بسوی آزادی سرزمین مان و انسانهای مربوط بآن (فلسطینیها ) میباشد . لازم است به نیازها و مقتضیات آن توجه نموده و آنرا تقویت کرد و آنرا بسوی موفقیت و پیروزی رهنمون شد .

— ملت عرب فلسطین حق تعیین سرنوشت و سازماندهی آینده خود و میهن خود را دارد . پس از حصول آزادی کامل ، در فلسطین یک دولت عرب دموکراتیک حاکم خواهد بود که در آن کلیه شهروندان دارای امکانات و حقوق و وظائف یکسانی بدون توجه به جنسیت و رنگ پوست یا دین و مذهب خواهند بود .

— اعتقاد به وحدت و آزادی و هویت ملی عرب در یک میهن پان عرب متحد .

— پشتیبانی از نهضت های آزادیبخش ملی در جهان و همکاری با آنها و پشتیبانی از مبارزه آنها در راه آزادی و حق تعیین سرنوشت و عدالت و برابر حقوق و پیشرفت و ترقی .

در سیستم آموزشی مان ، ضوابط عینی زیر اساس کار است :

— آموزش بعدی است از زندگی و تنها محدود و مربوط به آماده ساختن برای زندگی نمیشود .

— آموزش فرایند پویائی از رشد است که ارتباط و پیوند نزدیکی با رشد علمی و فنی و اجتماعی دارد و مستلزم تطابق و بهنگام ساختن دائمی افکار و فعالیت‌های علمی مان میباشد و لذا برنامه‌ها و اجرای آنها بفواصل زمانی منظمی باید تحول یابد .

— تشویق و گسترش تجارب و تحقیقات پداگوژیک برای بهبود دائمی کارآموزی در کلیه سطوح و استفاده عملی وسیع از نتایج تحقیقات سودمند در آموزش نسل جوان .

— مطابقت دادن آموزش و پرورش با نیازهای فعلی و آتی ملت عرب فلسطین و آموزش کادرهای آگاه و تحصیل کرده برای مرحله آزاد ساختن سرزمین فلسطین و مرحله بعد از آن .

— از میان بردن جدائی بین آموزش در

مدرسه و آموزش در خانواده و در اجتماع و ایجاد شرایط و وسائل مناسب از نظر خودآموزی بمنظور شناخت و شکوفائی استعداد و توانائی افراد و قدرت یدی و سایر توانائیهایی که فرد با استفاده از آنها بتواند پس از ترک مدرسه به آموزش و تکمیل اطلاعات و مهارت خود ادامه دهد .

— توجه خاصی به مبارزه با بیسوادی و آموزش پایه و آموزش مستمر و مداوم بزرگسالان مبذول گردد .

— اعمال اولویت از لحاظ اصل برابری امکانات و رفتار در مورد پسرها و دخترها .

— توسعه در اشاعه حس مسئولیت اخلاقی و اشکال دموکراتیک در محیطی سرشار از روح رفاقت در زمینه روابط انسانی با توجه به موازین فردی و دستجمعی از نظر اخلاق و رفتار و زندگی عملی .

— توسعه رشد موزون و هماهنگ فرد از لحاظ جسمی و روحی و اجتماعی و عاطفی — رشد استعداد و قابلیت ها و تشویق معلولین جسمی و روحی در حدود توانائی و امکانات آنان .

اصول فوق الذکر را ما در میان فرزندان ملت مان و معلمین و در میان اطفال مان در جمع خانواده شان — در محل های تشکیل مجامع و در مدرسه با توجه به امکانات و میزان تاثیر و کارآئی و نتیجه این فعالیتها . متقابلا فرزندان ملت ما نیز نسبت بانقلاب فلسطین بعنوان راه بسوی آزادی و تعالی

و سازماندهی آینده و تاریخ اعتماد دارند . آنان زندگی و کلیه نیروهای خود را در خدمت انقلاب قرار میدهند و بصورت پزشک و مهندس و معلم و کارگر و دهقان و روشنفکر و سایر گروهها خدمت میکنند . و بهمین دلیل است که فرزندان ملت ما علاقه خاصی نسبت بآموزش در کلیه رشتهها و زمینهها مبذول میدارند تا بتوانند پاسخگوی نیازها و مقتضیات آینده باشند .

نسبت کودکان ملت عرب فلسطین که در مدارس تحصیل میکنند خیلی بیشتر از کشورهای در حال توسعه است با وجود اینکه پراکندگی جمعیت و شرایط سخت زندگی موانع عمده ای در این راه هستند در هیچیک از کشورهای رو برشد نسبت دانشجویانیکه از تحصیلات دانشگاهی بهره مند هستند بیای ملت عرب فلسطین نمیرسد .

علیرغم توجه سازمان ما بآموزش و گسترش آن در میان ملت عرب فلسطین ، برادران و خواهران ما که در سرزمینهای اشغالی زندگی میکنند با مسائل جدی و مشکلی از نظر آموزش و آموزش فنی و حرفه ای روبرو هستند و مجموعه این مسائل وضعی بوجود آورده است که جا دارد مورد توجه کلیه نیروها ی شیفته آزادی و مدافع حقوق بشر قرار گیرد .

مسائل مذکور را میتوان بترتیب زیر خلاصه نمود :

سوق میدهد .

— فقدان مدارس ابتدائی و ساختمان برای مدارس موجب میشود تعداد بیشتری از کودکان از حق تحصیل محروم میگردد .

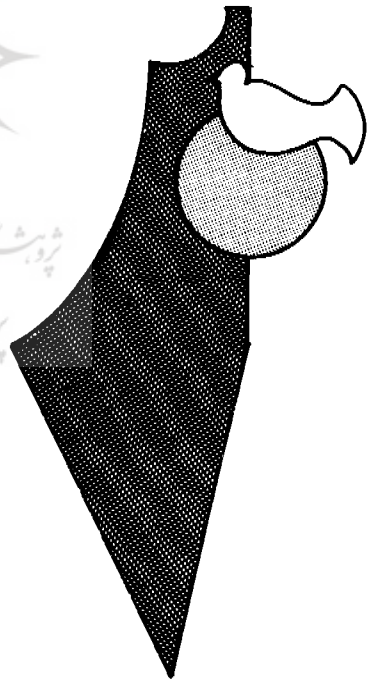
— تورم شدید قیمتها و شرایط بد اقتصادی سبب میشود که کودکان از ادامه و تکمیل تحصیلات محروم گردیده و محض پایان تحصیلات ابتدائی و دوره اول متوسطه مدرسه را ترک گفته و روانه بازار کار گردند

— مقامات اشغالی اسرائیل با تعیین سهمیه محدود ، مانع تحصیل دانشجویان فلسطین در موسسات دانشگاهی کشورهای خارج گردیده و از لحاظ بازگشت آنها بسرزمین آبا و اجدادی خود نیز ایجاد مشکل مینمایند و در نتیجه بسیاری از این جوانان نمیتوانند بمیهن خود بازگردند و این خود سبب میشود که مناطق اشغالی از کادریهای آموزش دیده و متخصص و از خصوصیت عرب خود محروم گردد .

— در چند دانشگاه و مدرسه عالی که در سرزمینهای اشغالی وجود دارد مقامات اشغالی اسرائیل از لحاظ وارد نمودن وسائل آموزشی مشکلات شدیدی بوجود میآورند و در نتیجه دانشگاهها ناگزیر میشوند که حق ثبت نام را بالا ببرند تا آنجا که اکثر دانشجویان از پرداخت آن عاجز میمانند و بدین ترتیب امکان پایان تحصیلات خود را در این موسسات از دست میدهند .

— از زمان اشغال ماوراء اردن و سرزمین غزه در سال ۱۹۶۷ ، اسرائیل عمدا برنامههای آموزشی را تغییر داده و موارد و مطالب خلاف واقع و کاذب در آنها وارد کرده است و بدین ترتیب میکوشد ساکنین این مناطق را از حق تحصیل با توجه به روح هویت ملی آنها محروم ساخته و آنها را از تعلقات ملی نسبت به جهان عرب و میراث تمدن عرب منفک سازد .

— فقدان مراکز آموزش حرفهای و مدارس و موسسات عالی تخصصی و دانشگاهها همه ساله هزاران متعلم را ( پس از پایان تحصیلات ابتدائی ) بسوی بازار کار تولیدی اسرائیل ( در قبال مزد قلیلی )



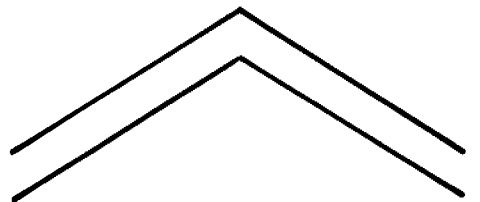
گستاوبون ميگويد :

" گاهي ممكن است رفتار ناظم ويا معلم مدرسه بگونه‌اي باشد كه آن‌را در نظر شاگردان بصورت دشمن و فردي كينه‌توز جلوه دهد ، و بجاي آنكه ميان شاگردان ومعلم وناظم ، صميميت وهمكاري برقرار شود نفرت وكينه ميان آنها ميادله گردد . معلمان تصور ميكنند كه وظيفه منحصر آنها القاء درس و انتقال معلومات ومعارف به



اذهان شاگردان است وهيچگونه وظيفه و نقشي در سازمان دادن به جهات انساني واخلاقي آنها ندارند . "

" اگر معلمان ، فلسفه عالي تعليم وتربيت را - كه صرفا منكي به مطالعات علمي



گذرانده و سپس تن باین مسئولیت بدهد ؟ البته واضح است که یک فرد مبتدی نمیتواند این کار را انجام دهد ! در مورد تربیت مربی دقیقا نقش یک نجات غریق را داراست و عینا در مثال فوق باید دوره‌های آموزشی را گذرانده باشد یعنی برنامه‌های تربیتی را در مورد خود ابتداءً انجام داده باشد .

امام علی علیه‌السلام فرموده‌اند : کسی که میخواهد خودش را مربی مردم قرار دهد ، پس باید از نفس خویش شروع نماید قبل از اینکه بخواهد دیگران را تادیب کند .

(نهج‌البلاغه صبحی صالح - حکمت ۷۳)  
و بالاخره باید گفت :

"ذات نایافته از هستی بخش

کی تواند که شود هستی بخش"  
(ب) مربی باید : "سوز" داشته باشد .

فردی که میخواهد مربی باشد باید دلش بحال متربیان خود بسوزد یعنی برای تربیت آنها ارزش یک حیات را قائل باشد و بکوشد تا آنها را حیات بخشد و نه تنها این مساله را سبک نگرفته بلکه ، تمام همتش همین باشد و بس .

این مساله بخوبی در تاریخ پیامبر اسلام مشاهده میشود ، چنانچه در قرآن میخوانیم .

" پیامبری از خودتان برای شما آمد که رنج کشیدن شما برای او سخت و او بر شما حریص و به گروندگان مهربان و رحیم است " .

و تحقیقات نظری نیست باز یابند ، متوجه میگردند که ارزشهای اخلاقی و انسانی هموزن با ارزشهای علوم و سایر مسائل دیگر و یا برتر از آن است ، لذا باید ارزشهای اخلاقی را بیش از هر امر دیگر ارج نهاده ، هیچ جامعه ای نمیتواند به زندگانی و حیات اجتماعی خود ادامه دهد مگر آنگاه که مبانی عمومی انسانی و الگوهای عالی را که سازنده عادات اخلاقی است - شناسائی کرده و خود را موظف به همگامی و هماهنگی با آنها بداند " ( نقل از صفحه ۱۳۷ کتاب اسلام و تعلیم و تربیت به نقل و تلخیص از صفحات ۳۳۹-۳۴۱ کتاب روح‌التربیه ) .

بنابراگفته فوق از منهای بی نهایت تا بعلاوه بی نهایت ، یعنی از شقاوت تا سعادت یک جامعه در گرو تربیت آن جامعه است .

در اینجا پرتوی از خصوصیات یک‌مربی را از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه برای شما بیان میداریم .

الف ) مربی باید : "خودساخته" باشد .  
برای روشن شدن مطلب مثال زیر را ارائه میدهیم :

کار یک نجات غریق این است که ضمن مواظبت از محیط استخر یا پلاژ جان شناگران مبتدی را از خطر مرگ حفظ کند .

حال آیا یک فرد مبتدی میتواند این مسئولیت بزرگ را به عهده بگیرد ؟ یا اینکه باید دوره‌های آموزشی مفصلی را

خود به فرعون بنمایم . پس برخیز و بسوی فرعون حرکت کن بدرستی که او سرکش است " .

موسی بلافاصله از خداوند می خواهد :  
" خداوندا ، سینه مرا باز کن و کار را برای من آسان کن " .

( آیات ۲۳-۲۶ - سوره طه )



می بینیم موسی ، زمانی که می خواهد فرعون را از فساد اخلاقی نجات دهد و او را بسوی کمالات انسانی راهنمایی کند ، از خداوند " بزرگی روح " را درخواست مینماید .

خداوند در رابطه با پیامبر اکرم (ص) میفرماید : " آیا ترا سینه گشاده نداده ایم . ( آیه ۱ - سوره انشراح )

در جای دیگر باز مشاهده میکنیم :

" توای پیامبر بخاطر عدم ایمان کفار به گفتار تو ، آنقدر اندوهگین شده ای که نزدیک است نفس خود را هلاک گردانی " .  
( آیه ۶ - سوره کهف )

آنچه در این آیات جلب نظر مینماید پیامبر بیش از حد به تربیت افراد جامعه خود تاکید داشته تا آنجائی که در اثر رنج و اندوه گام به گام به هلاکت نزدیک میشده است .

امام علی علیه السلام میفرماید : " پیامبر طیبی بود که دور میزد و دنبال مریض میگشت " .

( نهج البلاغه صبحی صالح - خطبه ۱۰۸ )  
این مطلب خود اشاره ای به تاکید پیامبر در امر تربیت جامعه است . بنابراین یک مربی باید در کار خود دلسوخته بوده تا بتواند بیشترین اثر وجودی را داشته باشد .

پ ( مربی باید "روح بزرگ" داشته باشد .  
در زمینه تربیت مشکلات و مصائب بسیاری وجود دارد که مربی باید خود را با آنها وفق دهد ، لازمه این توافق بزرگی روح و سعه صدر است .

در این رابطه نظری به داستان موسی میاندازیم : خداوند در آیات قرآن کریم گفتگوی خود و موسی را ذکر نموده است ؛ تا آنجا که بوی میگوید :

" ای موسی میخواهم ترا بعنوان آیت بزرگ

میسازند .

در این مورد مبینیم . امام علی (ع) برای دلگرمی آن کودکان ، خود را همبازی با آنها قرار میدهد .

شاهدی دیگر : روزی پیامبر پس از فتح مکه سوار مرکب برهنه‌ای بودند و یکی از اصحاب بایشان گفت : " ای پیامبر خدا امروز ، روز پیروزی تو است ، چرا سوار این مرکب برهنه هستی ؟ و پیامبر در جواب وی میگویند ، توهم بیا و پشت سر من سوار شو " نمونه‌های بسیاری در این رابطه وجود دارد که از ذکر آنها خودداری میکنیم . اما نتیجه ای که میتوان گرفت اینست : مری باید در زمینه تربیت ، گویانکه بسیار با فضیلت و علم هست ، لکن خود را بزرگ ندیده و حتی در حد لزوم خود را کوچک نماید .

ث) مری باید "اخلاص" داشته باشد . میدانیم که در اسلام ارزش عمل تنها به نیت آن است . آن عملی که نیتش نیل به خداوند است ، مورد قبول و در غیر اینصورت مردود خواهد بود . پیامبران الهی دعوت بسوی خداوند را تنها بخاطر فرمان خدا انجام میداده‌اند و در نظر آنها ارزشهای مادی مطرح نبوده .

زمانی که یونس با روی گردانی امتش مواجه میشود میگوید :

" من که در مقابل این دعوت از شما چیزی نخواستام ، چرا بحرفم گوش نمیدهید ؟

آنچه از آیات فوق در مییابیم : مریان آسمانی که بهترین تربیت کنندگان بشر هستند از " سعه صدر " و یا " روح بزرگ " بهره مند بوده‌اند .

ت) مری باید " بدون تکلف " باشد .

فردی که میخواهد مری شایسته‌ای برای افراد باشد ، باید تکلف ( تکبر ) را از خود دور کند .

در اینجا چند نمونه از تاریخ اسلام را برایتان ذکر میکنیم :

روزی پیامبر اکرم سجده نمازشانرا بسیار طول دادند بطوری که پس از نماز ، اصحاب پرسیدند ای پیامبر چرا اینقدر در سجده ماندید ؟ و ایشان در جواب آنها فرمودند ، کمر من میدان ورزش کودکان و نمیخواستم بازی آنها را شکسته باشم ! مشاهده میکنیم که پیامبر برای جذب کودکان بطرف خود ، تا حد میدان ورزش خود را پائین میآوردند و هیچگاه در مقابل آنها نمیگویند ، من پیامبر خدا هستم ، از روی کمر من پائین بروید .

امام علی علیه‌السلام میگویند : هرکسی که بچه کوچکی دارد ، باید خود او هم کوچک بشود ، به مصداق گفتارشان روزی با چند بچه کوچک یتیم برخورد میکنند و امام (ع) سعی در خوشحالی آنها را داشته ولی ایشان از فرط ناراحتی نمیخندیدند تا اینکه امام (ع) صدای گوسفندی را از خود در میآوردند و آن کودکان یتیم را خوشحال



پاداش من با خداوند است و او مرا امر کرده  
تا از مسلمانان باشم .

(آیه ۷۲ - سوره یونس )

در آنجا که نوح با سرکشی قومش روبرو است  
و آنها را از عذاب اقوام گذشته خبر میدهد  
با آنها میگوید : " من از شما پاداشی  
نمیخواهم ، پاداش من با آن کسی است که  
مرا آفریده ، آیا نمیاندیشید ؟ "

(آیه ۵۱ - سوره هود )

صالح ، لوط ، شعیب و بالاخره پیامبر اکرم  
هریک با امت خود این سخن را گفته اند .

( بترتیب آیات ۱۴۵ - ۱۶۴ - ۱۸۰ سوره

شعراء - آیه ۴۷ - سوره سباء )

پس پیامبران الهی میکوشیده‌اند تا این  
نیت اصیل خود را که خداگونه بودن حرکت  
آنهاست به امت خود بفهمانند و ما در اینجا  
این نتیجه را میگیریم که مریبان باید در  
عمل خود خلوص نیت داشته باشند یعنی  
تنها کار خود را برای خداوند انجام دهند  
و به دیگران نیز بیاموزند تا کار را برای خدا  
انجام دهند و بس .

ج) مریبی باید "دقیق" باشد :

مریبی باید ضمن اشتغال بکارها و مسئولیتهای  
بزرگ از مسائل کوچک غافل نماند .

"اوضن اینکه رسول بود اهل خانواده‌اش را  
بنماز و زکات دعوت مینمود "

(آیات ۵۴-۵۵ - سوره مریم )

یعنی با اینکه مسئولیت هدایت جامعه را  
بعهده دارد ، از تربیت افراد خانواده‌اش



غافل نشده است .

امام علی علیه السلام میگویند : ای مالک کارهای بزرگ مملکتی ترا از مسائل جزئی باز ندارد .

پس یک مربی باید تمام جوانب کارش را به دقت مورد رسیدگی قرار دهد مبادا یک مساله ظاهرامهمی او را از کار کوچکی باز داشته که در نتیجه آن حتی مسائل تربیتی او بی فایده و عقیم خواهد ماند .  
(چ) مربی باید " مشورت " کند .

میدانیم در اثر فکر و اندیشه انسانها رشد میکنند و به همین خاطر است که قرآن دستور میدهد :

" ای پیامبر با مردم مشورت کن "

(آیه ۱۵۹-سوره آل عمران )

تا در اثر این مشورت امت اسلامی خود را رشد اندیشه داده باشی .

در گفتگوی ابراهیم و پسرش ، این مساله بخوبی بچشم میخورد ، ابراهیم میگوید :

" ای پسرم در خواب بمن گفتند که باید ترا در راه خدا قربانی کنم ، نظر تو در این مورد چگونه است ؟ "

(آیه ۱۰۲-سوره صافات )

پس مربی باید با متربیان خود مشورت نماید و تا آنها را فکر کردن بیاموزد و البته پس از این مشورت با توکل بخداوند تصمیم گرفته و انجام دهد .

(ح) مربی باید " پیشقدم " باشد .

امام علی (ع) میگویند : "مربی باید مردم

را با رفتارش ادب کند قبل از آنکه بخواهد آنها را با زبان راهنمایی کند ."

(حکمت ۷۳- نهج البلاغه صبحی صالح)  
مطلب روشن است ، اگر فردی بخواهد مساله‌ای را به دیگری بیاموزد از راه عمل بسیار ساده میشود اینکار را انجام داد . علتش این است که طرف مقابل حسن عمل را مشاهده میکند ولی اگر بخواهد با زبان به او بگوید ، فرد مورد تربیت باید حسن عمل را تصور کند که مسلماً اثر اولی بیشتر خواهد بود .

بنابراین مربی باید در مسائل تربیتی خود پیش قدم باشد تا بتواند اثر بیشتری در فرد مورد تربیت بگذارد .

(خ) مربی باید " از مردم ، در مردم ، با مردم " باشد .

توضیح این مساله بسیار روشن است و در آیات قرآن کریم بسیار بچشم میخورد که پیامبرانی فرستادیم ، از خود شما ، با خود شما و بالاخره در گروه خودتان که نشان دهنده این است ، مربی باید از این خصوصیات بهره مند بوده تا بتواند بهتر با زبان مردم برای آنها صحبت کند و درد آنها را درک نماید و خودش در شرایط مساوی با افراد مورد تربیت باشد که در نتیجه آن کارآئی تربیتی افزایش خواهد یافت .

والسلام علیکم ورحمته‌اله

## بنام خدا

صفحه سفیدی که در مقابل شما قرار دارد ، برای شما گسه مسائل ومشکلات تربیتی و آموزش فرزندان خود ونیز پیشنهادات و راه - حلهائی که به نظرتان میرسد برای ما بنویسید .  
پیوند ما بااین ارتباط محکمر میشود و شما که اولیاء ومربیان فرزندان هستید یا تلاش وارتباط بیشتر در پیدا کردن راههای مناسب میتوانید در یاری ما سهم بزرگی داشته باشید . انشاءالله که اینطور خواهد شد .



تاکید



شپږو، شکاره علوم انسانی و مطالعات فرهنجی  
پر تال جامع علوم انسانی

جای نمبر



انجمن اولیاء و مربیان ایران

نشانی : تهران ، دروازه شمیران ، خیابان فخرآباد کوی ۱۵ صندوق پستی : ۱۳/۱۲۵

کد پستی ۱۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ

مهره پستی

غربی همه مدارس را قالبی ، تقلیدی و یکنواخت ساختند این تبعیت کورکورانه و عاری از تامل و تعمق ، نظام آموزشی کشور را با چنان بحرانی روبرو ساخته که بدست آوردن سررشته‌ای از کلاف سردرگم آن را جهت اصلاح و انتظام امور مدارس ، دشوار و تقریبا غیر ممکن گردانیده است . در سالهای اخیر تجویز نسخه‌هایی مانند نظام جدید آموزشی و ایجاد دوره راهنمایی تحصیلی به لحاظ آنکه تقلیدی نا بخردانه بی ریشه و فاقد استفاده از اطلاعات تجربی لازم بوده است نه تنها دردی را دوا نکرده بلکه نارسائیه‌ها و بن بستهای متعددی را نیز بوجود آورده است .



که کودک را عملا با زندگی حقیقی مواجه ساخته و وی را قادر میسازد که توانائیهای خاصی برای تطبیق دادن خود با شرایط محیطی کسب نماید در رابطه با پایگاه دوم لازم است توضیحی داده شود مدرسه ساده ترین و در عین حال حیاتی ترین واحد در هر نظام آموزشی است . پویائی و تحرک هر نظام آموزشی را میتوان در سیمای مدارس آن نظام جستجو کرد بعبارت دیگر مدرسه ، آئینه تمام نمائی است از هر نظام آموزشی و توان و تحرک در مدرسه بآمال نمایانگر حرکت سازنده آن نظام است ، در کشور ما مدرسه از دیر باز نه تنها محلی برای تلمذ و آموختن بوده است بلکه مکانی برای عبادت ، کسب فیض و سیر در عوالم متعالی روحی و عاطفی نیز بحساب میآمده است . بدین جهات بوده که آن را مکانی مقدس و دارای ارزش و اعتباری معنوی و روحانی میدانسته اند .

#### تغذیه کودکان

##### بقیه از صفحه ۱۷

۵- هر غذای جدید را قبل از آنکه شیر مادر را بخورد شروع کنید و وقتی که به طعم غذای جدید عادت کرد غذا را بعد از هر بار تغذیه با شیر مادر باو بدهید .

۶- تغذیه با شیر مادر باید تا زمانیکه ممکن است ادامه یابد و از شیر گرفتن را بتدریج شروع کنید .

متاسفانه در سالهای بعد از نهضت مشروطه دست اندرکاران تعلیم و تربیت در ایران در تدوین و نظام آموزش چنان سریع به تقلید نا آگاهانه از مدارس خارجی پرداختند که ترکیب سنتی مدارس کشورمان در هم ریخت و در فاصله کوتاهی بدون توجه بسوابق متمدن فرهنگی و ریشه‌های تاریخی آن صرفا براساس الگوهای آموزش



# اشوق

آرروز اشک شوق در چشما حلقه زده بود؟

آرروز اشک شوق

بیدار شدی از زاری خسته روانه روی زمین  
 بماند با شام خسته خسته شوی سحر در راه  
 شهدی اکبر سرایدار مدرسه بود همیشه  
 میگفتند سنش از ۸۵ سال تجاوز میکنید  
 ریشش چون پنبه سفید و کمی بلند بود از  
 نظر توانائی باز دیگر خدمتگاران عقب تر  
 نبود بدون اینکه باو تذکر بدهند خودش

کارهای مربوطه را باخوش انجام میداد  
 وقتی کارهایش پایان میرسید وضو گرفته  
 بخواندن دعا و قرآن مشغول میشد اهل  
 تفرش بوده در یکی از متطقها قیلا باهالی  
 ده قرآن یاد میداده است در چهل سالگی

بنهوان آمده در کار ساختمان مدرسه  
بعنوان عملی شرکت کرده بود پس از پایان  
ساختمان چون از کارش رضایت داشتند او  
را بعنوان سرایدار مدرسه استخدام کرده  
بودند .

صبح روز اول ماه مهر بود مشهدی اکبر  
کارهایش تمام شده در کنار آبدارخانه  
شاگردان مدرسه دورش را گرفته طبق  
معمول از او سئوالاتی میکردند آنروز یکی از  
بچهها پرسید مشهدی اکبر راستی این  
مدرسه را چه کسانی ساختند ؟ یادت میآید ؟  
مشهدی اکبر آهی سرد کشیده گفت بچهها  
خدا بانیان این مدرسه را بیاموزد چه  
مردان خیر و متدینی بودند علاوه بر اینکه  
بخشی از اموالشان را در پیشبرد مدرسه و  
تعلیم و تربیت مصرف میکردند عملاً در  
کارهای اجرایی مدرسه شرکت کرده شبها  
برای بزرگسالان درسهای قرآن و اصول  
عقاید تدریس میکردند باهمت و ابتکار  
برای مدرسه سائل نمازخانهای ساخته  
آنها با زیلوهای بزدی مفروش کردند در آن  
زمان مدیر مدرسه مرد متدینی بود کسبه  
صبحها در تاریکی بمدرسه آمده بکسار  
خدمتگذاران نظارت میکرد در فصل زمستان  
وقتی همه جا را برف میپوشانید بکسار  
خدمتگذاران همه برف را به بیرون مدرسه  
انتقال داده وقتی بچهها بمدرسه وارد  
میشدند از برف اثری نمیدیدند همیشه  
معلمان از او حساب میبردند اگر معلمی در

میآمد با لیخدی عذرش را خواسته میگفت  
آقای . . . . . چون دیر آمدید یکنفر دیگر  
بجای شما بکلاس رفته است ظهرها بچهها  
نماز جماعت خوانده خود مدیر هم در  
صف جماعت شرکت میکرد .

ولی در دوره طاغوت آن مدیر ومعلمان  
همه رفتند نمازخانه تعطیل شد زیلوهای  
مدرسه بعضی ها پوسیده وبعضی دیگر  
بفارت رفت . بچهها ومعلمان همه بمدرسه  
میآمدند ولی چیزی که از آن نام و نشانی  
نبود درس و اخلاق بود بچهها سیگار و  
هروئین و چیزهای دیگر بمدرسه میآوردند  
رابطه شاگرد ومعلم آنچنان تیره وتار بود  
که گاه شاگردان بعضی از معلمان را با چاقو  
زخمی میکردند در دانشگاه بروی بعضی  
از اساتید اسید پاشیده آنان را ترور  
میکردند . مدیر مدرسه تمام دقت وتوجهش  
مبدول جشن ها و اعیاد ملی بود در چنین  
روزهایی از معلمان امضاء گرفته آنان را  
گوسفند وار در گوشه‌ای از میدان جمع کرده  
آماده ززه و جلوعکس شاه مخلوع میکرد  
معلمهای مدرسه هم چیزی که درباره‌اش  
حرف میزدند اضافه کار و حقوق کارانه بود  
چون در انجام مسئولیت‌های خطیر معلمی  
از خود کارآئی نشان داده بودند ؟ آری  
معلمان بزرگترین مسئولیت اجتماعی خود  
را خیلی ارزان فروخته بودند در برابر  
تربیت نسل جوان هیچ نوع مسئولیتی  
حساس نمیکردند و اگر برخی از آنان این



مقنی بود تعریف میکرد که روزی او را یکی از مدارس دخترانه فرستاده بودند او تعریف میکرد وقتی جاه فاضل آب آن مدرسه را تخلیه میکرد چه تعداد بچه‌های سقط شده در آنجا دیده بود که از ناراحتی روز دیگر بعنوان کسالت و ناراحتی آن کار را ترک کرده بود آری دختران معصوم و بیگناه را بعنوان پیشاهنگی و رژه رفتن و آموزش موسیقی بیرون برده پس از لکه دار کردن رهایشان میکردند آری این بود محصول فرهنگ استعماری .



مشهدی اکبر در اینجا سرش را بطرف آسمان بلند کرده گفت خدا بامام خمینی طول عمر بدهد سالهای قیل وقتی بساداره آموزش و پرورش میرفتم همه ماشین نویسا با بدن‌های عربان ما را مسخره کرده همه چیز را بیاد استهزاء میگرفتند ولی چند روز پیش بادهاره رفتم دیگر از آن بی حیاتی‌ها خبری نبود نزدیک ظهر صدای اللّهُ اکبر ظنین انداز شده همه کارمندان بانفاق رئیس ناحیه و معاونین و زنان کارمند

احساس را داشتند از ترس مدیر ورثیس ناحیه حرات دم زدن نداشتند .

مشهدی اکبر در اینجا سکوت کرده گفت خدا میداند چه چیزها که ما در این مدرسه دیدیم میگفت هنوز فراموش نمیکم روزی معلم انشاء کلاس راهنمایی نیامده بود مدیر مدرسه آقای . . . دفتر دار مدرسه را بگلاس فرستاد یکی از بچه‌ها زبان بانتقاد گشوده از نابسامانی مملکت سخن گفته بود آقای . . . در پائین ورقه او نوشته بود آفرین پس از چندی او را پای میز محاکمه کشیده از او پرسیده بودند که چرا بچنین انشائی نمره بیست داده و آفرین گفته‌ای آ آری او را برای پاداش دادن به زندان اوین فرستادند مشهدی اکبر که از گفتن این جریان ناراحت شده بود آهی کشیده گفت خدا عذابشان را زیاد کند در آن دوره پسر عموم که شغلش

# اشرف



امروزه دیگر نمیتوانند عذر تراشی کنند  
 اگر بخواهند حقوقشان حلال باشد باید با  
 علاقمندی در تعلیم و تربیت کودکان  
 بکوشند دیگر نباید خودشان را از شاگردها  
 جدا کنند ظهرها باید نماز جماعت تشکیل  
 داده در صفوف جماعت کودکان شرکت  
 کنند در این موقع صدای زنگ مدرسه  
 نواخته شده بچهها کم کم داشتند بطرف  
 کلاسها میرفتند مهدی اکبر صدا را بلندتر  
 کرده گفت آهای بچهها شاهم مسئولیتتان  
 زیادتیر شده است! شماها باید هرچه زودتر  
 درس خوانده کاری بکنید که ملت مسلمان  
 را از شر مهندسین و پزشکان خارجی نجات  
 دهید بچهها در حالی که اشک شوق در  
 چشمایشان حلقه زده بود بطرف کلاسها  
 میدویدند.

در نماز جماعت شرکت کرده بودند  
 بی اختیار بگریه درآمده در آن کانون  
 دین و تقوی شرکت جستم ... در این موقع  
 یکی از شاگردان پرسید مهدی اکبر راستی  
 حالا عقیدت درباره دانشآموزان چیست؟  
 مهدی اکبر در پاسخ گفت دامادم که در  
 منطقه بوئین زهراء زمین زراعتی دارد  
 تعریف میکرد که چگونه دختران و پسران  
 با ایمان در جهاد سازندگی شرکت کرده در  
 کنار هم دوش بدوش هم بکمک دهاتیها  
 برداشته بودند و حال آنکه همین عده در  
 گذشته عارشان میآمد که با یک دهاتی  
 حرف بزنند و یا بدهات بروند امروز بجای  
 شرکت در کاختهای جوانان در گرمای چهل  
 درجه در کنار مزرعه بنماز جماعت ایستاده  
 خدای یکتا را عبادت میکنند، مهدی  
 اکبر گفت دامادم میگفت در تمام عموم این  
 نوع صفا و صمیمیت را هرگز ندیده بودم و به  
 برکت انقلاب اسلامی دیدم که کلماتی  
 مانند مواسات و مساوات در رفتار و کردار  
 دختران و پسران با ایمان پس از انقلاب  
 بچشم میخورد.

در این موقع رضا که یکی از شاگردان  
 مدرسه بود پرسید بنظر شما اکنون وظیفه  
 معلمان و دانشآموزان چیست؟ در این  
 موقع مهدی اکبر قدش را راست کرده گفت  
 بخدا قسم پس از انقلاب معلمان کشور  
 بزرگترین مسئولیت را بعهده دارند زیرا  
 مسئولیت انسان سازی در عهده آنان است



# پاسخ به یک نامه

از: ایرج شگرف نخعی  
برای جلوگیری از دروغ گفتن کودکان  
اعتماد بنفس آنها را جلب نمائید. عملاً  
به بچه‌ها بیاموزید:

## بهترین کلید گشایش کار راستی است

تا ۸ سالگی فرزند شما از چیزهایی برایتان حرف بزند که خودش ندیده و یا از کارهایی تعریف نماید که انجام نداده است در اینجا در دروغگو نامیدن بچه عجله نکنید. مثلاً اگر بچه شما گفت که بر فیل بزرگی سوار شده است در حالی که هرگز او را به باغ وحش نبرده اید دلیل این ادعای او صرفاً این نیست که شما را فریب دهد و اغفال کند شاید هم بعضی موارد بتوان گفت که قضیه درست عکس این است یعنی کودک با گفتن آرزوهایش شما اعتماد میکند و بصورتی از شما میخواهد که دعوت او را بپذیرید و به دنیای خیال او قدم بگذارید دنیائی که او در آن احساس آرامش میکند. در چنین مواردی نقش شما

مادری از دروغ گفتن فرزند خردسالش ناراحت است و در اینمورد راهنمایی خواسته. دروغ نشانه‌ای است از یک واقعیت و آن این است که فرزند شما در میان خانواده به غلط یا درست اعتماد بنفس خود را از دست داده است. فکرمیکند که شما منظورش را درک نمیکنید پس باید کاری کنیم که این اعتماد در بچه پیدا شود. البته بعضی از دروغ‌ها واقعا دروغ نیستند دروغ چیزی است که برخلاف حقیقت باشد ولی فهماندن این موضوع بیک کودک خردسال مثلاً بچه ۵ ساله دشوار است. برای اینکه کودک ۵ ساله اطلاع درستی از حقیقت ندارد. ممکن است تا حدود سن ۶

دروغ بگوید خود بخود میفهمد مشتت باز شده و کسی ادعاهای او را باور نکرده است اگر کودکی در سنین پائین یک واقعیت محض را نفی کند معنیش این است که کودک با نفی کردن آن میخواهد منکر بودنش شود و آن را از پندار خویش حذف کند نه آنکه این کودک علیه بزرگترها قیام میکند یا آنها را به مسخره میگیرد . این انکار واقعیت گاهی در بزرگسالان نیز دیده میشود و آن موقعی است که آنها باختلافات ناشی از هیجانی بسیار شدید دچار میشوند مثلا اگر بکسی خبر مرگ یکی از دوستان صمیمی و نزدیک او را بدهیم خبری که او ابتدا انتظار شنیدنش را نداشته است فریاد میزند نه این حقیقت ندارد این غیر ممکن است اگر درست باین مساله فکر کنیم میبینیم که معنیش این است که این خبر تحملش آنقدر دشوار است که شخص نمیخواهد حقیقت بودن آن را بپذیرد .

حال باختصار درباره کودکانی صحبت میکنیم که درست و حسابی دروغ میگویند . یعنی کودکانی که چیزهای نادرست میگویند در حالی که میتوانند درست را از نادرست و واقعیت را از تصور و خیال تشخیص بدهند در اینمورد سعی کنید پیش از این که منتظر دروغ گفتن کودک بشوید به او بفهمانید که وقتی به او اعتماد دارید که پای از جاده صداقت و درستی بیرون نگذارد اگر باوجود بقیه در صفحه ۴۶



این نیست که با خشونت حرفهای او را رد کنید بلکه باید کم کم به او یاد بدهید که فرق میان حقیقت و دروغ چیست و اختلاف بین ممکن و ناممکن کدام است اگر بچه بشما گفت که سگی به بزرگی شیری دیده است قطعا این سگ او را ترسانده و تخیل او سبب شده که سگ را از حد معمول بزرگتر تصور کند اینجا تنها بیادآوری این نکته قناعت کنید که همه سگها از شیر کوچکترند دست آخر به او بگوئید که حرف بیهوده ای زده است و اینگونه حرفها را حرفهای دروغ میگویند و دروغ گفتن فایدهای ندارد . در اینصورت فرضا هم که او خواسته است

استثناء همه افراد جامعه اسلامی در حال تعلیم و تعلم باشند و این را بعنوان یک وظیفه دینی تلقی نماید . چه پیامبر (ص) میفرمود : خدا جانشینان مرا رحمت فرماید و در مقام پاسخ از سؤال جانشینان شما کیستند ، فرمودند کسانی که سنتها و روشهای نیکوی زندگی مرا زنده داشته و آنها را به بندگان خدا آموزش میدهند .

بنابراین هر دانشمند مسلمانی بحکم مسلمان بودن ، وظیفه مخصوص آگاه کردن برعهده او نهاده شده است و باید که نشر علم را بعنوان زکات آن منظور نماید .

اسلام برای تحقق خواسته‌های خود به همه راهها متوسل شده است ، زمانی دانشمندان را به تعلیم و تربیت جامعه فرمان میدهد و دیگر زمان پدران و مادران را

مسئول مستقیم دانسته و از آنجمله " قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا " و " وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا " (قرآن مجید) ناظر بر لزوم صدور اوامر و نواهی و هدایت و تربیت افراد خانواده میباشد .

فرزندان را بر اولیاء حقوقی است و از آنجمله : " وَيُحَسِّنْ آدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ " (نهج البلاغه) برخوردار از تعلیم و تربیت صحیح است .

چه کسی بیش از ما بر فرزندان ما دل میسوزاند ؟ چه کسی بیش از ما باید که ب فکر فرزندان ما باشد ؟ چه کسی بیش از ما به سعادت فرزندان ما میاندمیشد ؟ آیا صحیح است که امر تعلیم و تربیت فرزندان خود را بدیگران سپرده و هیچگونه کوشش و تلاش نداشته باشیم ؟ آیا در این صورت کَلِّ بِرِ دِیْگَران و مفتخوار نیستیم ؟ آیا گناه نیست که بدون تعاون و همکاری ، از دسترنج

پاسخ به یک نامه

بقیه از صفحه ۴۵

این فرزند شما با ز دروغ گفت لازم است که در فکر چاره باشید . تنبیه کردن علاج دروغ را نمیکند ولی این بدان معنی نیست که بچه را در دروغ گفتن آزاد بگذاریم و هیچ عکس العملی نشان ندهیم . اگر احساس کردید فرزند شما دارد دروغ میگوید سعی کنید کار اعتراف کردن به چیزی را که از شما پنهان میکند آسان

سازید اگر با خشونت به او بگوئید دروغ میگوئی کودک خود را دوبار متهم خواهد یافت متهم به خطائی که کرده است و متهم به اغفال کردن شما در این مورد حالتی در حد جنگ وجدال بین شما برقرار میشود اگر او از احساس عزت نفس برخوردار باشد عملا خود را مجبور مبیند دروغ بگوید پس باید از این فشار کاسته شود و کودک احساس کند شما باز هم میل دارید به او اعتماد کنید . موقعی فرزند شما به دروغ خود

جامعه بهره مند شویم ؟ آیا اشتباه نکرده‌ایم که در همه این امور ، دولت را مسئول دانسته و خود از دور دستی برآتش داشته باشیم ؟

با این سخن نمی‌خواهیم نقش حساس دولت جمهوری اسلامی را در بالا بردن سطح اطلاعات عمومی جامعه هدایت و رشد دندارک امکانات و . . . . . انکار نمائیم ، چه از جمله حقوق امت بر امام " تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَتَادِبِكُمْ كَيْفًا تَعْلَمُوا " ( نهج - البلاغه ) بالا بردن سطح تعلیم و تربیت و رهائی از بی‌فانمان برانداز جهل و ناآگاهی است بهر ترتیب آیه " وَتَعَاوَنُوا عَلَيَّ الْبِرِّ وَالتَّقْوَى " صل همکاری مستقیم اولیاء ، بانهادهای آموزش و پرورش را اثبات مینماید و هر فرد مسلمان ایرانی را به وظیفه مخصوص مسلمان بودن ، ولی بودن ، انقلابی بودن

آگاه و مکلف میسازد و همین معنی موجب ایجاد انجمنهای همکاری اولیاء و مربیان در واحدهای آموزشی سراسر کشور میگردد . تا دوشادوش فعالیت و رشد جوانان و نونهالان ، خانواده‌ها نیز در حال تلاش و رشد باشند و حتی المقدور در بهسازی محیط آموزشی ، پیشبرد همه جانبه دانش‌آموزان و . . . . . سهیم باشند .

بامید آن روز که در سراسر کشور عزیزمان ایران شاهد انجمنهای فعال تعاون اولیاء و مربیان بوده ، انجمنی که بتوانند با تلاشهای خود مدرسه را مطاف اولیاء قرار دهد و اولیاء به خدمتگزاری این حرم قدس افتخار نمایند .



بزرگ شده با فردی که در یک محیط دروغ پرورش یافته باهم تفاوت فاحش دارند باید این جمله حضرت سجاد علیه‌السلام را خودمان بدانیم و به بچه‌هایمان عملاً بیاموزیم که فرمود :

" بهترین کلید گشایش کارها راستی است "



عتراف میکند که شما سعی کنید او را رباره دروغی که گفته است به فکر وادارید به او نشان دهید اگر دروغ میگفت این خطر بود اعتمادی که به او داشته اید زیان برود .

آنچه در پایان این مقال مهم بنظر می‌رسد و تذکر آن برای خانواده‌ها ضروری است پرورش حس‌ایمان و اعتقاد در کودک است و دراینمورد بهترین الگو پدر و مادرها هستند . کسیکه در یک خانواده راستگو

خودشان برای درس تکنولوژی آموزشی استفاده کرده بودند از جمله تغییر فرهنگ کودکان و مسائل ضد امپریالیستی مثل ماهی سیاه کوچولو ، این دانشجویان یکی از بهترین گروههایی بودند که من در مدت تدریس با آنها کار کردم ، زیرا با اینکه رشته تحصیلی آنها تکنولوژی آموزشی نبود ولی در انتخاب موضوعات و تهیه اسلایدها و خصوصا انتخاب موزیک حد اعلائی توانائی خود را بکار گرفتند و برنامه‌های بسیار خوبی تهیه کردند ، فرضا برای موضوع " ماهی سیاه کوچولو " از موزیک متن یکی از فیلمهای انقلابی ایرانی و برای موضوع " انقلاب تا فرار طاغوت " از موزیک متن فیلم کودتا و برای موضوع " سیگار شیطان سفید پوش " از موزیکی غربی و مناسب استفاده کرده بودند ، میبینیم که نحوه انتخاب موزیک و نوع آن بستگی به پروژه و مخاطبین آن دارد .

باین ترتیب یک تهیه کننده برنامه‌های آموزشی باید غیر از انتخاب صحیح رنگها و تکرار مسائل مهم بموزیک متن هم توجه کامل داشته باشد .

نکته قابل توجه اینست که چون تهیه یک برنامه صوتی و تصویری آموزشی تقریبا وقت زیادی میگیرد و زحمت تهیه آن نیز زیاد است ، باین علت پس از تهیه بایستی آنرا

برای قشر مشابه دوباره و چند باره نشان داد ، جهت برآورده شدن این مطلب بایستی برنامه بطریقی تهیه شود که بتوان آنرا برای گروههای مختلف نشان داد و نتیجه گرفت .

این نمایش مکرر خاصی نیز در بردارد از جمله تهیه کننده میتواند بمرور و پس از حداقل ۳ بار نمایش برای افراد (کودکان) مختلف اصلاحات لازم را در برنامه انجام دهد و نقاط ضعف را برطرف نماید و ضمن یکی دو سال برنامه‌های کامل و صحیح تهیه کند . و دیگر اینکه اثر مشابه برنامه خاصی که تهیه شده را میتوان روی سایر افراد پیش بینی کرد و برمبنای آن برنامه ریزی آموزشی را انجام داد .

تکنولوژی آموزشی و خصوصا آموزش کودکان از طریق کاربرد صوت و تصویر علم است نه هنر اگر چه مقدار زیاد آنرا "هنر" تشکیل میدهد . باین علم بطور جدی نگاه کنید و از برخورد سطحی با آن بپرهیزید ، چرا که همانطور که گفته شد اگر بطور صحیح و در مسیر صحیح پیاده شود اثر معجزه آسایی در یادگیری دارد . آموزش از طریق صوت و تصویر شامل "اسلاید - نوارصوتی" " ویدیوتیپ " ، فیلمهای ۸ و ۱۶ و ۳۵ میلیمتری است و هرکدام از این وسائل در جای خاص خود باید در تهیه برنامه‌های آموزشی بکار آید .

مشروبات الکلی صرف شود ، قمار بازی کنند و یا پشت سر این و آن بدگوئی کنند چطور از کودک میتوان انتظار داشت که پیرامون آن اعمال نگردد ؟

چنین خانواده‌ای نمیتوان از کودک انتظار دیگری داشت . البته در مواردی ممکن است بمصداق " ادب از که آموختنی ؟ از بی ادبان " اتفاق بیفتد که کودکی در چنان خانواده‌ای هرگز پیرامون اعمال والدین خود نگردد و آن در صورتی است که رفتار پدر و مادر در چشم آن فرزند چنان زنده جلوه کند که بهیچوجه نخواهد از آنان تقلید کند . بلکه در صدد دوری و اجتناب از آنان باشد و همچنین است در موارد مثبت مثل انجام فرائض دینی ، رعایت نظافت و بهداشت که پدر و مادر و سایر اطرافیان بایستی از هر لحاظ سرمشق خوب و درعین حال جذابی برای فرزندان خود باشند .

#### ۴- رقابت :

بسیاری از دانش آموزان در کلاس برای بدست آوردن نمرات بهتر آشکارا کوشش بیشتری میکنند و در خانه هم برای بدست آوردن امتیازات بیشتر دست باعمالی میزنند .

رقابت در خلاقیت فکری افراد مخصوصا نوجوانان تأثیری بسزا دارد و در واقع عاملی فعال است . برای بدست آوردن قدرت تفکر و بوجد آوردن ذهنی تحلیلیگر باید از عالم رقابت استفاده کرد . اما والدین باید آگاه باشند که رقابت منجر به ایجاد حسد و کینه تیزی بین سایر افراد خانواده نشود .



مسلم کودکان در ابتدا قادر به تلفیق وظیفه شناسی نیستند و باخود میگویند اگر دروغ ، باده گساری ، قمار ، غیبت و امثال آنان بداست چرا پدر و مادر و سایر افراد خانواده مرتکب میشوند . بنابراین در